



۳

بهرام نامہ

(آسمان ہشتم: چہارمین مثنوی

از خمسۂ میرجملہ)

محمد روح الامین اصفہانی

درگذشتہ ۱۰۴۷ ق

زیر نظر

اِوا اور تہمین

محمد کریمی زنجانی اصل



محمد

مقدمہ و تحقیق

گلنلہ ہنری

نشر: مجمع ذخائر اسلامی - قم

و دانشگاه فردریش ویلہلم - بن

۱۳۹۱ خورشیدی

Bahrām Nāme

Rūḥ ol-Amīn EṢFAHĀNĪ
(d. 1047 AH)

Introduction and Notes
by
Golaleh Honari



Rheinische Friedrich-Wilhelms-Universität Bonn
Institut für Orient- und Asienwissenschaften
Abteilung für Islamwissenschaft



Association of
Islamic Treasures, Qom

Bonn – Qom 2012

ISBN 978363262269-6
9 783632 622696
9 783632 622696

۵۰۵۶۵

سرشناسه	:	روح الامین، محمد امین، ۹۷۴ - ۱۰۴۷ ق.
عنوان و نام پدیدآور	:	بهرام‌نامه (آسمان هشتم: چهارمین مثنوی از خمسه میرجمله) // محمد روح‌الامین‌اصفهانی (م ۱۰۴۷ ق.)؛ با مقدمه و تحقیق گلاله هنری.
مشخصات نشر	:	قم: مجمع ذخایر اسلامی؛ بن: موسسه مطالعات شرقی و آسیایی دانشگاه بن، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	:	۱۶۸ ص.: مصور.
فروست	:	میراث قطبشاهی/ زیر نظر اوا اورتمن، محمد کریمی زنجانی‌اصل؛ ۲.
شابک	:	دوره: ۶-۲۶۶-۹۸۸-۹۶۴-۹۷۸؛ ۱۲۰۰۰۰ ریال: ۸-۲۶۶-۹۸۸-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	شعر فارسی -- قرن ۱۱ ق.
شناسه افزوده	:	هنری، گلاله، مقدمه‌نویس
شناسه افزوده	:	کریمی زنجانی‌اصل، محمد، ۱۳۵۲ -
شناسه افزوده	:	اورتمن، اوا
شناسه افزوده	:	Orthmann, Eva
شناسه افزوده	:	دانشگاه بن. موسسه مطالعات شرقی و آسیایی
شناسه افزوده	:	Universität Bonn. Institut für Orient- und Asienwissenschaft
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۱ آ ۶۳۷۲/۵ PIR
رده بندی دیویی	:	۱/۴۹۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۶۹۳۷۰۹



۳

بهرام نامه

(آسمان هشتم: چهارمین مثنوی)

از خمسه میرجمله

محمد روح الامین اصفهانی

درگذشته ۱۰۴۷ ق



مقدمه و تحقیق

گلاره هنری

نشر: مجمع ناشران اسلامی - قم و دانشگاه فرهنگیان و نظام - بن
۱۳۹۱ خورشیدی

۳



Rheinisch-Westfälische Universität Bonn
Institut für Orient- und Islamwissenschaft
Abteilung für Islamwissenschaft

مجمع ذخائر اسلامی - قم، ایران / مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه فردریش ویلهلم - بن، آلمان

بهرام نامه

(آسمان هشتم، چهارمین منوی از خمسة میرجمله)

تألیف: محمد روح الامین اصفهانی (برگرفته ۱۰۲۷ ق)

مقدمه و تحقیق: کلاله هنری

نشر: مجمع ذخائر اسلامی - قم، دانشگاه فردریش ویلهلم - بن

طراح گرافیک: هادی معزی - عکس روی جلد: سید صادق اشکوری

چاپ: ظهور صحافی، نفیس نویت چاپ: اول - اردیبهشت ۱۳۹۱ ش (۲۰۱۲ م)

شمارگان: ۱۱۰ جلد - شابک این مجلد: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۲۶۲-۸

شابک میراث قطبشاهی: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۲۶۶-۶

قیمت در سال انتشار: ۱۲۰۰۰ تومان (۲۰۰ یورو)

ارتباط با ناشر در ایران

قم، خیابان آذر، کوی ۲۳، پلاک ۱، مجمع ذخائر اسلامی

تلفن ۰۹۸ ۲۵۱ ۷۷۱۳۷۴۰، دورنگار ۰۹۸ ۲۵۱ ۷۷۰ ۱۱۱۹، همراه: ۰۹۸ ۹۱۲ ۲۵۲ ۴۳۳۵

www.zakhair.net www.mzi.ir

برای دریافت نسخه الکترونیکی، شش ماه پس از انتشار اثر، به سایت مجمع ذخائر اسلامی و دانشگاه بن رجوع کنید



زیر نفلر
اوا اور تمن
محمد کریمی زنجانی اصل

مناوران علمی

- | | |
|-----------------------------------|------------------------------|
| مجمع ذخائر اسلامی (ایران) | صادق آصف آگاه (حسینی اشکوری) |
| دانشگاه سوربن، پاریس ۳ (فرانسه) | فابریتزیا اسپتزیاله |
| دانشگاه بولونیا (ایتالیا) | سوو د اونیفریو |
| مؤسسه مطالعات ایرانی (اتریش) | اشتفان پپ |
| مؤسسه فرهنگ نشر نو (ایران) | محمد شریفی |
| دانشگاه کالیفرنیا (آمریکا) | شادروان حسین ضیائی |
| آکادمی ابن سینا، علیگره (هند) | حکیم سید ظل الرحمن |
| دانشگاه بن (آلمان) | اشتفان کانرمن |
| دائرة المعارف بزرگ اسلامی (ایران) | فتح الله مجتبیائی |
| دانشگاه آزاد اسلامی (ایران) | علی مرتضویان |

پیشکش به پدر و مادر عزیز و مهربانم

پیشگفتار

قطبشاهیان از سلسله‌های بزرگ اسلامی در هند بودند. همزمان با نخستین امپراطوران مغول، آنها با سرپیچی از همسایگان شمالی خود، در پایان سدهٔ دهم هجری / هفدهم میلادی، به فرجام، گلکنده در جنوب هند را فتح کردند. سلاطین قطبشاهی در روزگار فرمانروایی‌شان، در حدود دو سده، با تأسیس مراکز متعددی برای آموزش و پژوهش، در جذب دانش پژوهان از سراسر جهان اسلام به دربار خود کوشیدند. با این حال، مهم‌ترین و برجسته‌ترین دانشمندانی که به گلکنده رهسپار شدند، ایرانی بودند. دلبستگی و پایبندی قطبشاهیان به تشیع و بهره‌گیری آنها از زبان فارسی به عنوان زبان رسمی دربار، گلکنده را برای اهل علم و فرهنگ ایران بس جذاب می‌نمود. در طول این دوره، متون فارسی و عربی فراوانی نوشته شده است، در حالی که با دریغ، شمار اندکی از آنها تصحیح شده‌اند؛ همچنان که دربارهٔ تاریخ اندیشه و اندیشوران آن روزگار نیز پژوهش‌های انگشت‌شماری در دست است. "میراث قطبشاهی" با نسخه‌برگردان متون فارسی و عربی نوشته شده در طول سلطنت قطبشاهیان، می‌کوشد بخشی از این میراث را در اختیار نهد. کتابهای این مجموعه، دامنهٔ گسترده‌ای از موضوعات را دربرمی‌گیرد؛ از جمله تاریخ‌نگاری، فلسفه، پزشکی، عرفان، ادبیات، مطالعات قرآنی و الهیات.

برای هر مجلد از این مجموعه، بر اساس معیارهای نسخه‌شناختی، یک نسخه خطی، برگزیده‌ایم. کوشیده‌ایم که به نسخه‌های قدیمی‌تر و دقیق‌تر اولویت دهیم. با این حال، در دسترس بودن، خوانایی و امکان تکثیر آنها نیز مورد توجه قرار گرفته است. هر مجلد، مقدمه‌ای به زبان‌های فارسی یا انگلیسی دارد که در آن زندگینامه نویسنده اثر و همچنین برخی اطلاعات مربوط به نسخه‌های خطی موجود از آن و محتوای کتاب ارائه شده است. این معرفی‌ها هرگز داعیه تجزیه و تحلیل ژرف مباحث مربوطه را ندارند و چنین عرصه‌ای برای مطالعات بعدی باز است. قصد این مجموعه، در اختیار نهادن شماری از نسخه‌ها و مواد اساسی برای پژوهش بیشتر است.

بایسته است تمام کسانی که یاریگر ما در انتشار این مجموعه نسخه‌برگردان بوده‌اند را سپاس گوئیم. پیش از همه، همکاران ایرانی‌مان را که یاریگر ما بودند، از دستیابی به نسخه‌های خطی تا مراحل انتشار آنها. آنگاه، از تمامی اعضای شورای علمی و محققانی که با پیشنهادات خود و ابراز تمایل به نگارش مقدمه بر کتاب‌ها، در انجام این کار و به فرجام رساندن آن یاریمان کردند. همچنین، مایلم که یاد دکتر حسین ضیائی، یکی از اعضای هیئت علمی‌مان را ارج نهیم. با دریغ، اکنون او در میان ما نیست که انتشار این مجموعه را شاهد باشد.

امیدواریم که این مجموعه در افزایش دانش ما نسبت به روزگار قطبشاهی سهمی داشته باشد و سرآغازی گردد برای پژوهش‌های بیشتری درباره این سلسله جذاب و تاریخ‌اندیشه آن.

بُن، شانزدهم مارس ۲۰۱۲ میلادی

اِوا اورتمن / محمد کریمی زنجانی اصل

فهرست مطالب

مقدمه محقق

- درآمدی بر رواج زبان فارسی و تشیع در جنوب شبه قاره هند ۱۳
- درآمدی بر زندگی و آثار روح الامین اصفهانی ۱۷
- مروری بر بهرامنامه روح الامین ۲۳

متن

- مناجات و آغاز کتاب ۳۸
- حکایت بر طبق مدعا ۴۰
- نعت حضرت پیغمبر صلوات الله و سلامه علی و آله ۴۱
- صفت معراج حضرت رسالت ۴۳
- منقبت شاه مردان صلوات الله و سلامه علیه ۴۶
- سبب نظم کتاب ۴۸
- در بیان رفتن این سالک بعد از رضای حضرت شاه به خدمت پیر خود و بهره مند گشتن
از دعای ایشان ۵۱
- مدح پادشاه خلد الله ملکه و سلطان (محمد قلی قطبشاه) ۵۴
- مداحی به طریق خطاب ۵۶
- در بیان علو مرتبه سخن و فواید بعضی از حسنات و ترک برخی از سیئات ... ۵۸
- در بیان حقیقت راه حق و کیفیت جست و جوی آن بی عدیل بی همتا و برخی از موعظه
که مرآت جمال مطالب دنیا و عقباست ۶۰

- آغاز داستان ۶۳
- رفتن بهرام گور به شکار ۶۵
- در بیان وفات کردن یزدجرد و افتادن ملکش به دست دیگران ۶۸
- در بیان آگاهی یافتن بهرام گور از وفات پدر و نهادن زمانه تاج‌موروئی او را بر
تارک شخصی دیگر و دل‌دادن نعمان بن منذر شاه و نصرت کردن در گرفتن ملک
و راندن بهرام بی‌کران عیش و شادمانی فلک ۷۰
- در بیان فرصت کردن بهرام گور دانای مردم را به مصالح عیش و سرور و دیدن او
قصر خورنق را با ساکنانش در خواب و افکندن در جان شب‌کشتی بی‌طابقتی را در
آب و رفتن دوران فلک و جا دادن هر اختر را در برجی و گشودن چون جوهری
گردون هر روز تازه و حی ۷۲
- (روز شنبه) ۷۵
- (روز یکشنبه) ۸۵
- نشستن بهرام گور روز دوشنبه در گنبد سرخ و عشرت کردن با دختر پادشاه
خوارزم ۹۶
- افسانه گفتن دختر پادشاه خوارزم ۹۷
- نشستن بهرام گور روز سه‌شنبه در گنبد زرد و عشرت کردن با دختر سقلاب
شاه ۱۰۴
- افسانه گفتن دختر سقلاب شاه ۱۰۴
- نشستن بهرام گور روز چهارشنبه در گنبد سفید و عشرت کردن با دختر پادشاه
تاتار ۱۰۸
- افسانه گفتن دختر پادشاه تاتار ۱۰۹
- نشستن بهرام گور روز پنج‌شنبه در گنبد سبز و عشرت کردن با دختر پادشاه
ختن ۱۱۷
- افسانه گفتن دختر پادشاه ختن ۱۱۸

نشستن بهرام گور روز جمعه در گنبد آبگون و عشرت کردن با دختر پادشاه	
تازی	۱۲۹
افسانه گفتن دختر پادشاه تازی	۱۲۹
به خواب دیدن بهرام گور شکارگاه را و آهنگ صید گور نمودن و اسیر گور شدن	۱۳۴
در موعظه گوید	۱۳۸
حکایت بر طبق مدعا	۱۴۴
در ذکر بعضی از مطالب متفرقه	۱۴۶
خاتمه	۱۴۹

درآمدی بر رواج زبان فارسی و تشیع در جنوب شبه قاره هند

سید محمد امین شهرستانی اصفهانی (۹۸۱ - ۱۰۴۷ ق / ۱۵۳۷ - ۱۶۳۷ م) که به روح الامین، روح و امین تخلص می کرد، شاعر و دولتمند ایرانی دربار محمد قلی قطبشاه (حک: ۹۸۸ - ۱۰۲۰ ق) است.

محمد قلی پنجمین و ادب دوست‌ترین پادشاه قطبشاهی محسوب می‌شود. سلسله قطبشاهیان پس از فترت سلسله بهمنیان (۷۴۸ - ۹۳۳ ق / ۱۳۴۷ - ۱۵۲۷ م) در جنوب هند بر سر کار آمدند. مؤسس این سلسله، سلطان قلی قراقویونلو از ترکان بهارلو و متولد قریه اسدآباد همدان در ایران بود.^۱ وی پس از ضعیف شدن سلطان محمود بهمنی در سال ۸۸۷ هجری به همراه چهار امیر دیگر این سلسله که هر کدام والی قسمتی از قلمرو بهمنیان بودند، از اطاعت سلطان محمود سر باز زدند و هر کدام در ولایت خود علم استقلال افراشتند و باعث تحزیه شدن حکومت بهمنیان به پنج سلطنت مستقل در دکن شدند.^۲ در پی آن از اواخر سده نهم هجری / سده پانزدهم میلادی، سلسله عادلشاهیان توسط یوسف عادل خان در بیجاپور، نظامشاهی توسط ملک احمد نظام الملک در احمد نگر، عمادشاهی توسط فتح الله عمادالملک در برار، برید

۱. ملا محمد قاسم هندوشاه، تاریخ فرشته، نولکوشه، ۱۳۰۱ق، ج ۲، ص ۱۶۷.

۲. مجتبی کریمی، نگاهی به تاریخ حیدر آباد دکن، تهران، ۱۳۷۳ش، ص ۱۵.

شاهیان توسط قاسم برید در بیدر و قطبشاهیان توسط سلطان قلی قطب الملک در گلکنده تأسیس شد. این حکمران‌های محلی هم‌روزگار دوران امپراتوری مغول هند در شمال شبه‌قاره و نیز سلسله صفوی در ایران بودند^۱.

نفوذ ایرانیان در شبه‌قاره خیلی پیشتر، از زمان تصرف نواحی شمال هند توسط سلطان محمود غزنوی (۳۸۹ - ۴۲۱ ق / ۹۹۹ - ۱۰۳۰ م) آغاز شد. کشورگشایی او راه را برای تاخت و تاز سایر پادشاهان ایرانی در شبه‌قاره فراهم کرد؛ چنانچه در نهایت سلطان محمد غوری (۵۵۰ - ۶۰۲ ق / ۱۱۵۵ - ۱۲۰۶ م) به عنوان چهارمین پادشاه سلسله مشهور به آلشنسب در ولایت غور غزنین، در اواخر قرن ششم هجری / دوازدهم میلادی دهلی را تسخیر کرد و یکی از غلامان خود به نام قطب‌الدین ایبک (م ۶۰۷ ق / ۱۲۱۰ م) را به فرمانروایی آنجا گماشت.

این تغییرات، آغاز حرکت مذاهب و تفکر اسلامی - ایرانی به سمت سرزمین‌های جنوبی و مرکزی هند بود. به تدریج، در قرون بعد حکومت‌های محلی اسلامی در نواحی جنوبی این سرزمین تأسیس شدند که همگی پیوندهای نزدیک خونی، فرهنگی و مذهبی با ایران داشتند. از مهم‌ترین این سلسله‌ها، خاندان بهمنی بود که ذکرش گذشت. پایه‌های فرهنگ اسلامی و ایرانی در جنوب هند در زمان این سلسله گذاشته شد و شکوفایی آن، اندکی بعدتر، در زمان عادلشاهیان و قطبشاهیان صورت گرفت.

۱. نک: ملا محمد قاسم هندوشاه، تاریخ فرشته، پیشین، ج ۱، ص ۳۶۷؛ ج ۲، ص ۴.

ایرانی نژاد بودن و تظاهر سلاطین جنوب هند به اسلام، سبب رشد مهاجرت عظیم نخبگان فرهنگی و ادبی بسیاری از ایران به هند شد. این مهاجرت از زمان بهمنیان (به ویژه در عهد علاءالدین حسن بهمنی) آغاز شد و تا پایان حکومت قطبشاهیان ادامه داشت.^۱

زبان فارسی از زمانی که در اوایل قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی با مقیم شدن فارسی‌زبانان در جنوب هند، در این منطقه رواج پیدا کرد تا حکومت محمد قلی قطبشاه که دوران اوج خود را می‌گذراند، همواره همراه مذهب شیعه بود. به ویژه که بیشتر سلاطین این منطقه، ایرانی تبار و شیعه مذهب بودند و یا از حمایت و مشاورت وزرای شیعه مذهب برخوردار بودند. این پیوستگی دینی و زبانی، به وجود آمدن ارتباط تنگاتنگ ایران و جنوب هند، به ویژه در زمان صفویان را موجب شد. در این میان، حکومت‌های محلی جنوب هند نیز از حمایت پادشاهان صفوی برای در امان ماندن از خطر امپراتوران مغول سود می‌جستند.^۲

در دربار سلاطین جنوب هند، از روزگار بهمنیان تا آخرین امرای هر یک از حکومت‌های پنج گانه پیشگفته، پیوسته زبان فارسی رواج داشت و در بیشتر این امارت‌ها، از آن به عنوان زبان اداری و رسمی بهره می‌جستند.

۱. مجتبی کرمی، نگاهی به تاریخ حیدرآباد دکن، پیشین، ص ۲۴؛ نیز نک:

H. K. Shervani and P. M. Joshi, *History of Medieval Deccan (1295-1725)*, Hyderabad 1974, vol. 2, p. 77.

۲. مجتبی کرمی، نگاهی به تاریخ حیدرآباد دکن، پیشین، ص ۱۹.

البته، اقبال این ناحیه به زبان و ادب فارسی، غیر از ایرانی تبار بودن حکمرانان مذکور و حمایت صفویان از آنها، دلیل دیگری نیز داشت: وجود وزیران قدرتمند ایرانی مانند میر محمد مؤمن استرآبادی در دربار آنها^۱.

با مهاجرت ایرانیان به جنوب هند از قرن نهم هجری / پانزدهم میلادی به بعد، به تدریج حضور نخبگان فرهنگی و سیاسی ایرانی در دربارهای سلاطین جنوب هند پُر رنگ شد و فرهنگ ایرانی - اسلامی که پیشتر در آن ریشه دوانده بود، حضور بارزتری یافت. چنان که، میر محمد مؤمن در مقام وزیر کاردان محمد قلی قطبشاه، از سویی برای ایجاد محیط فرهنگی فارسی، مدارس تأسیس کرد که در آن زبان فارسی تدریس می‌شد و از سوی دیگر شروع به حمایت همه جانبه از نخبگانی کرد که ایران و به ویژه اصفهان را به قصد جنوب هند ترک می‌کردند. او این ایرانیان را به مناصب بالای دولتی در دربار قطبشاهی منصوب کرد و با این کار سیستم اداری قطبشاهی را قوّت بخشید^۲.

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره میر محمد مؤمن استرآبادی، نک: محی‌الدین قادری، میر محمد مؤمن استرآبادی مروج تشیع در جنوب هند، ترجمه عون علی جاروی، تهران، ۱۳۸۷ش؛ نیز نک:

S. A. A. Rizvi, *A socio-Intellectual History of the Isnā 'Asharī Shi'is in India*, Canberra, 1986, vol. 1, pp. 303 - 341.

۲. *Ibid*, vol. 1, p. 313.

درآمدی بر زندگی و آثار روح الامین اصفهانی

از میان کسانی که میر محمد مؤمن استرآبادی به دربار قطبشاهی معرفی کرد، برجسته‌ترین آنها میرزا محمد امین شهرستانی^۱، از سادات اصفهان بود.^۲ برادران وی، میر جلال‌الدین حسین متخلص به صلایی و میرزا محمدتقی، از سرشناسان روزگار خود بودند. برادرزاده او میرزا رضی صدر وزیر شاه عباس اول (حک: ۹۹۵ - ۱۰۳۸ ق / ۱۵۸۷ - ۱۶۲۹ م) بود و خواهر شاه را در همسری داشت.^۳ به این اعتبار، خاندان روح‌الامین از بزرگان اصفهان محسوب می‌شدند.

روح‌الامین برای نخستین بار در بیست و نه سالگی راهی هندوستان شد و بعد از ورود به دربار محمد قلی قطبشاه مورد اعتماد او قرار گرفت و به مقام میرجملگی^۴ رسید. ظاهراً وی این منصب را به مدت ده سال در دربار

۱. علی بن طیفور بن محمد بسطامی، *حداثات السلاطین*، به کوشش شریف نسا انصاری، حیدرآباد، بی تا، ص ۱۹۹؛ شاهنواز خان، *مآثر الامراء*، به کوشش میرزا اشرف علی، کلکته، ۱۳۰۹ ق / ۱۸۹۱ م، ج ۳، ص ۴۱۴؛ شفیق لجهمی نراین، *شام غریبان*، به کوشش محمد اکبر الدین صدیقی، حیدرآباد، ۱۹۷۷ م، ص ۱۰۹؛ نیز نک:

S. A. A. Rizvi, *A socio-Intellectual History of the Isnā 'Asharī Shi'is in India*, op.cit, vol. 1, p. 313.

۲. عبدالحمید لاهوری، *بادشاهنامه*، کلکته، ۱۸۶۷ م، ج ۱، ص ۲۵۸.

۳. همو، همان، پیشین؛ توزک جهانگیری، لکهنو، ۱۸۶۳ م، ص ۲۲۶.

۴. میرجملگی بعد از مقام پیشوایی و پادشاهی، سومین مقام دربار قطبشاهی بود.

قطبشاهی بر عهده داشت و در آن به قدری موفق بود که شاه، قلمدان مرصعی را به او عطا کرد که تا آن هنگام به هیچ وزیر عالیمقامی نرسیده بود^۱.

محمدقلی قطبشاه به عنوان ادب دوست‌ترین و مهم‌ترین شخصیت ادبی حکمرانی قطبشاهیان، از شاعران ایرانی که به دربارش می‌آمدند به نیکویی استقبال می‌کرد. به همین دلیل، روح الامین در دربار او قدر بسیار دید و طبیعتاً آثار متعددی تألیف کرد؛ از جمله پنج مثنوی به تقلید از خمسه نظامی گنجوی و دیوان غزلیاتی به نام گلشن ناز که متجاوز از بیست هزار بیت دارد. با توجه به اشتغالات حکومتی میرجمه (روح الامین)، انبوهی آثار ادبی او عجیب به نظر می‌رسد و همین امر او را در میان همعصرانش ممتاز کرده است.

از آثار فراوان میرجمه در زبان فارسی که بگذریم، دو نکته دیگر او را در میان شاعران مهاجر به شبه قاره برجسته می‌کند؛ یک اینکه میر در مذهب تشیع بسیار سختگیر بوده، و دیگر اینکه نسبت به وطنش ایران تعصب شدیدی داشته است.

روح الامین پس از مرگ محمدقلی قطبشاه، با برادر زاده و جانشین او محمد کنار نیامد و پس از سال‌ها خدمت در دربار قطبشاهی، در ربیع الاول ۱۰۲۱ ق/ ۱۶۱۲ م حیدرآباد را به قصد بیجاپور ترک کرد. در دربار ابراهیم عادلشاه دوم (۹۸۷ - ۱۰۳۵ ق/ ۱۵۷۹ - ۱۶۲۶ م) هیچ منصبی به او پیشنهاد

^۱. علی بن طیفور بن محمد بسطامی، حقائق السلاطین، پیشین، ص ۱۹۹.

نشد و میر همراه با اموال و ثروت فراوانی که گردآورده بود به ایران بازگشت.^۱

او به هنگام بازگشت شاه عباس صفوی از گرجستان، در کنار رود ارس به خدمت شاه رسید و با او به اصفهان مراجعت کرد.^۲

روح الامین چند سال در دربار صفوی به انتظار شغلی در خورشان خود منتظر ماند. او به دلیل حسادت به میرزا رضی، پسر برادرش، که منصب وزارت داشت، سودای صدارت شاه را در سر می‌پروراند و توسط نزدیکان، شاه را از نیت خود آگاه ساخت.^۳ اما پس از چندی، چون شاه را نسبت به خود بدگمان یافت، بار دیگر عزم سفر هند کرد و در ۱۰۲۷ هجری به دربار جهانگیر گورکانی (حک: ۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ ق/ ۱۶۰۵ - ۱۶۲۸ م) پیوست. البته، بنا به روایتی وی از طرف جهانگیر شاه به هند فراخوانده شد.^۴ اما مؤلف تاریخ عالم آرای عباسی از چشم‌پوشی و اغماض شاه عباس نسبت به فرار او سخن گفته است.^۵

۱. شاهنواز خان، مآثر الامراء پیشین، ج ۳، صص ۴۱۴ - ۴۱۵.

۲. اسکندر بیگ ترکمان، عالم آرای عباسی، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی، تهران، ۱۳۷۷ ش، ج ۲، ص ۱۴۵۷.

۳. نک: توزک جهانگیری، پیشین، ص ۲۲۶.

۴. نک: عبدالحمید لاهوری، بادشاهنامه، پیشین، ج ۱، ص ۲۵۸؛ نیز نک: توزک جهانگیری، پیشین، همانجا.

۵. اسکندر بیگ ترکمان، عالم آرای عباسی، پیشین، ج ۲، ص ۱۴۵۷.

وی در دربار جهانگیر گورکانی به مناصب بالایی دست یافت^۱، اما به سبب تفاوت مذهب و نژاد با شاه گورکانی و درباریان مشاجرات و درگیری‌های لفظی زیادی نیز داشت که برخی از آنها در کتاب‌های تاریخی آن دوره ضبط شده است و بیراه نیست که کتاب‌های تاریخی آن دوره، میر را فردی تند مزاج و درشت‌گو معرفی کرده‌اند^۲.

طبیعتاً ایران‌دوستی و مذهبی بودن میر در چنین محیطی نسبت به دربار قطبشایان بیشتر خود را نشان می‌داد. در واقع، دربار قطبشاهی از جهت وجود شاهان ایرانی تبار و شیوع مذهب شیعه برای روح الامین به نوعی وطن دوم محسوب می‌شد، حال آنکه در دربار گورکانیان اوضاع متفاوت بود. سلاطین گورکانی هم سنی مذهب بودند و هم اینکه از نژاد مغولان محسوب می‌شدند. اما میر حتی در این محیط نیز به صراحت لهجه مشهور شد.

زمانی که جهانگیر شاه در نظر داشت که در ادامه تلاش‌های همایون و اکبر نظریه نزدیک کردن مذاهب مختلف را به کرسی بنشاند و در واقع به دنبال شیوع نوعی روشنفکری دینی بود، میر به تندی واکنش نشان داد؛ چندان که پادشاه بعد از آن گفت که «میر واقعی اصفهانی است»^۳. همچنین وی زمانی

۱. علی بن طیفور بن محمد بسطامی، *حداثات السلاطین*، پیشین، ص ۱۸۴.

۲. برای نمونه نک: شاهنواز خان، *مآثر الامراء*، پیشین، ج ۳، ص ۴۱۶؛ محمد صالح کنبو، *شاهجهان‌نامه*، به کوشش غلام یزدانی و وحید قریشی، لاهور، ۱۹۶۷م، ج ۲، ص ۲۰۹.

۳. شاهنواز خان، *مآثر الامراء*، پیشین، ج ۳، ص ۴۱۶.

که جهانگیرشاه به او گفت وقتی ایران را فتح کنم اصفهان را به تو خواهم بخشید، پاسخ داد مگر ما را قزلباش به عنوان اسیری به ایران برد^۱.
روح‌الامین سال‌های پایانی زندگی خود را در شهر آگره گذراند و در دهم ربیع‌الثانی سال ۱۰۴۷ق/ ۲۲ آگوست ۱۶۳۷م در سن شصت سالگی به دلیل بیماری لقوه و فلج درگذشت^۲.

۱. محمد طاهر نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، به کوشش وحید دستگردی، تهران، ۱۳۶۱ش، صص ۵۶-۵۷.

۲. شاهنواز خان، مآثر الامراء، پیشین، همانجا؛ نیز نک: محمد صالح کنبو، شاهجهان‌نامه، پیشین، ج ۲، صص ۲۰۹-۲۱۰.